

رژیم‌سازی چین در شرق آسیا

بهاره سازمند^۱

دانشیار مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

احمد رضانی

دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۳/۱۲)

چکیده

یکی از واقعیت‌های قرن حاضر، وجود رژیم‌ها و سازمان‌های مختلف جهت همکاری کشورها در حوزه‌های موضوعی متفاوت است. این امر به‌ویژه بعد از جنگ سرد رشدی چشمگیر داشته است، به‌صورتی که تعداد رژیم‌های شکل‌گرفته بسیار متعدد و فراوان بوده و جهان را به‌صورت شبکه‌ای از تاروپودهای ارتباطی به هم متصل کرده است. چین از جمله کشورهای نوظهور است و به‌واسطه پتانسیل خود در طول دو تا سه دهه اخیر، جایگاه دوم اقتصادی جهان را از آن خود کرده است. پرسش اصلی مقاله حاضر این است که چرا چین دست به رژیم‌سازی در شرق آسیا زده است؟ مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش تبیینی، سودمحوری و کسب منافع بیشتر را انگیزه اصلی چین در ایجاد رژیم‌های منطقه‌ای می‌داند و بر این استدلال استوار است که چین با قدرت‌یابی اقتصادی، در پی ایجاد رژیم‌هایی جهت تثبیت جایگاه خود است. در همین زمینه چین، آسه‌آن به‌علاوه سه، منطقه آزاد تجاری چین- آسه‌آن، بانک سرمایه‌گذاری زیرساختی آسیایی و ابتکار کمربند و راه را ایجاد کرده یا از تشکیل آنها حمایت می‌کند. رویکرد موردنظر در پژوهش حاضر رژیم‌های سودمحور بین‌المللی و روش گردآوری مطالب نیز کتابخانه‌ای و اسنادی است.

واژه‌های کلیدی

آسه‌آن، چین، رژیم، سودمحوری، شرق آسیا.

مقدمه

اصلاحات اقتصادی یا «آزادسازی چین» در اواخر دهه ۱۹۷۰، طی دوره پسمائو آغاز شد. اصلاحات اقتصادی چین در اغلب موارد برخلاف جهت سیاست‌های تعقیبی مائو که بر خودکفایی تأکید داشت، حرکت می‌کرد. جهت‌گیری جدید چین، پس از ظهور مفهوم «بازگشایی به سوی جهان خارج» آشکار شد. در اوایل دهه ۱۹۹۰، تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین به سرعت رشد کرد و این کشور را به دومین دریافت‌کننده سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۱۹۹۶ تبدیل کرد. حجم سرمایه‌گذاری از ۳/۴۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۱، به ۴۲/۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۶ رسید و بحث‌هایی را در مورد ظهور چین برانگیخت (Athwal, 2008: 78-80). پیش از سال ۱۹۹۵، چین درباره اهمیت مشارکت در سازمان‌های چندجانبه منطقه‌ای تردید داشت و ترجیح می‌داد با همسایگان خود و قدرت‌های اصلی، معاملات را بر پایه دوجانبه انجام دهد. طی دهه ۱۹۹۰، یعنی زمانی که منطقه‌گرایی در اتحادیه اروپا و موافقت‌نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی^۱ رشد سریعی را به ثبت می‌رسانید، منطقه‌گرایی در شرق آسیا از رشد بازمانده بود. در دوره مزبور، سیاست چین نسبت به منطقه‌گرایی منفعلانه بود، اما از اواخر دهه ۱۹۹۰، چین سیاست منفعلانه خود را نسبت به منطقه‌گرایی تغییر داد و در بیشتر رژیم‌های چندجانبه منطقه‌ای به صورت فعالانه‌ای مشارکت کرد. چین نه تنها کنشگری مشارکت‌کننده، بلکه رهبری فعال در همکاری منطقه‌ای آسیاست (Pu, 2017: 112-113)، به نحوی که عامل مهم شکل‌دهنده به رژیم‌های اقتصادی منطقه‌ای، ظهور چین بوده است. این امر در وهله نخست از اثرگذاری بر تجارت و سرمایه‌گذاری در منطقه و دوم، از طریق رقابت فزاینده جهت نفوذ اقتصادی و دیپلماتیک حاصل می‌شود؛ محرک برجسته‌ای که دیگر اقتصادهای شمال شرق آسیا را به سمت پیشنهاد مناطق آزاد تجاری به دیگر اقتصادهای منطقه سوق داده است (Ravenhill, 2008: 48).

با در نظر گرفتن اقدامات چین در قالب رژیم‌سازی منطقه‌ای در اواخر دهه ۱۹۹۰ و دو دهه آغازین قرن بیست و یکم (هنوز به پایان نرسیده است)، سؤالی به ذهن متبادر می‌شود که چرا چین چنین رژیم‌های منطقه‌ای را پس از بحران پولی و مالی سال ۱۹۹۷ شرق آسیا ایجاد کرده است یا از تشکیل آنها حمایت می‌کند؟ سؤال‌های فرعی مقاله نیز این‌گونه مطرح می‌شود: رژیم‌هایی که بعد از بحران سال ۱۹۹۷ ایجاد شدند، کدام‌اند؟ رژیم‌های مزبور چگونه شکل گرفتند و محرک گسترش آنها چه بوده است؟ و در نهایت کدام منطقه از اهمیت بیشتری جهت رژیم‌سازی برخوردار است؟ مقاله حاضر سعی دارد با استفاده از روش تبیینی به ارزیابی سیر و روند اقدامات چین بعد از بحران مالی شرق آسیا در سال ۱۹۹۷ بپردازد. فرضیه اصلی مقاله

1. North American Free Trade Agreement (NAFTA)

حاضر این است که سودمحوری و کسب منافع بیشتر، انگیزه اصلی چین در ایجاد چنین رژیم‌های منطقه‌ای است. در همین زمینه چین، آسه‌آن به‌علاوه سه، منطقه آزاد تجاری چین - آسه‌آن، بانک سرمایه‌گذاری زیرساختی آسیایی و ابتکار کمربند و راه را ایجاد کرده یا از تشکیل آنها حمایت می‌کند. به‌منظور بررسی فرضیه حاضر، ابتدا مبحث نظری تشریح می‌شود، سپس برای درک بهتر موضوع موردنظر، با ذکر نمونه‌هایی از رژیم‌سازی‌های چین، به تجزیه و تحلیل مباحث مذکور پرداخته خواهد شد.

۱. چارچوب نظری: رژیم‌های سودمحور

پنظریه رژیم‌های بین‌المللی در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ به‌واسطه انتقادهایی به نظریه نواقع‌گرایی، به‌خصوص در انتقاد به نظریه ثبات هژمونیک شکل گرفت که براساس آن، نواقع‌گرایان بر این نظر بودند که هژمون رژیم‌ها را ایجاد می‌کند و بقای رژیم‌ها وابسته به هژمون است، اما با افول قدرت ایالات متحده در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، رژیم‌ها نه‌تنها به حیات خود ادامه دادند، بلکه همکاری در عرصه بین‌المللی رو به فزونی گذاشت (Zanghi, 2014: 76). اما رژیم چیست و کارکرد آن چگونه است؟ رژیم می‌تواند به‌عنوان مجموعه‌ای از اصول صریح یا ضمنی، هنجارها، قواعد و رویه‌های تصمیم‌گیری حول محور انتظارات بازیگران در حوزه موضوعی خاص بین‌المللی تعریف شود. اصول، باورهایی در مورد حقیقت، علت و صحت عمل است. هنجارها، الگوهای رفتاری در قالب حقوق و تکالیف تعریف می‌شوند. قواعد، تجویزهای خاص یا تجویزهایی برای کنش هستند و رویه‌های تصمیم‌گیری نیز، سنت‌های غالبی برای اتخاذ و اجرای انتخاب جمعی‌اند. به‌عبارت دیگر، کیوهان و نای رژیم را «مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های حاکم» دانستند. ارنست هاس و هدلی بال نیز به قواعد، هنجارها و رویه‌ها جهت تنظیم رفتار بازیگران اشاره کرده‌اند (Krasner, 1982: 2). رویکرد رژیم‌های سودمحور یا نئولیبرال، یکی از جریان‌های اصلی برای تبیین رژیم‌های بین‌المللی است. مفهوم رژیم در رویکرد رژیم‌های سودمحور به معنی ایجاد مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، قواعد و به‌صورت خلاصه چارچوبی جهت شکل‌دهی به رفتار بازیگران (دولت‌ها) در عرصه روابط بین‌الملل است و کیوهان یکی از نظریه‌پردازان اصلی در حوزه مزبور است. در این مقاله سه مؤلفه اصلی دیدگاه کیوهان، دولت، سود و همکاری (Keohane, 1984: Keohane, 1989) به‌منظور تبیین رژیم‌گرایی و رژیم‌سازی چین بررسی می‌شود: اولین مفهوم موردنظر کیوهان، دولت است. دولت‌ها بازیگران اصلی صحنه بین‌المللی هستند، سازمان‌ها و رژیم‌های بین‌المللی تأثیرگذارند، اما آنچه نقشی کلیدی در صحنه بین‌الملل دارد، دولت است. براساس همین مفهوم می‌توان چین را به‌عنوان بازیگر اصلی در رژیم‌سازی شرق آسیا در نظر

گرفت؛ مفهوم دوم سود است، به این معنا که دولت‌ها بازیگرانی عقلانی، خودبین و هدف‌محورند که در راستای حداکثرسازی سود خود تلاش می‌کنند. بر همین اساس چین در راستای تثبیت جایگاه و افزایش قدرت (اقتصادی) خود دست به رژیم‌سازی می‌زند؛ مفهوم سوم همکاری است که کیوهان برخلاف نواقح‌گرایان (مانند والتز) معتقد است امکان همکاری در عرصه بین‌المللی به‌واسطه بازی تکراری و نتیجه‌نهایی بلندمدت‌تری که نسبت به عهدشکنی دارد، قابل دستیابی است. این مفهوم از بعد دستیابی چین به رژیم‌های منطقه‌ای براساس دور مذاکراتی و اعتمادسازی طرفین، قابل تبیین است.

۲. نمونه‌هایی از رژیم‌سازی چین در شرق آسیا

۲.۱. آسه‌آن به‌علاوه سه

قبل از دهه ۱۹۹۰، رابطه رسمی بین آسه‌آن، به‌عنوان یک گروه‌بندی و چین وجود نداشت. با این حال چین به‌صورت رسمی، روابطی دوجانبه را با دولت‌های عضو آسه‌آن داشت. از اواخر دهه ۱۹۸۰، چین اقدامات خود جهت ایجاد رابطه دیپلماتیک با تمام اعضای آسه‌آن به‌عنوان گام نهایی را تشدید کرد که در نهایت به شکل‌گیری رابطه رسمی با گروه‌بندی آسه‌آن انجامید. در دیدار چین از تایلند در نوامبر ۱۹۸۸، نخست‌وزیر چین بر چهار اصل جهت ایجاد، ترمیم و توسعه روابط با تمام دولت‌های آسه‌آن تأکید کرد. پس از شکل‌گیری روابط دیپلماتیک با آخرین دولت آسه‌آن (سنگاپور) در اواخر دهه ۱۹۹۰، چین به سمت روابط رسمی با گروه‌بندی آسه‌آن حرکت کرد. در سال ۱۹۹۱، وزیر امور خارجه چین در جلسه آزاد بیست و چهارمین نشست وزرای آسه‌آن^۱ در کوالالامپور، به‌عنوان میهمان حکومت مالزی حضور یافت و تمایل خود برای همکاری با آسه‌آن را اظهار داشت که متعاقباً پاسخی مثبت به آن داده شد. در سپتامبر ۱۹۹۳، دبیر کل آسه‌آن از بیجینگ دیدار کرد و طرفین با تشکیل دو کمیته مشترک همکاری علمی-فنی و همکاری تجاری-اقتصادی موافقت کردند. تبادل نامه بین دبیر کل آسه‌آن و وزیر امور خارجه چین در ۱۹۹۴ در بانکوک، به تشکیل دو کمیته رسمیت بخشید و در ژوئیه ۱۹۹۶ (بیست‌ونهمین نشست وزرای آسه‌آن در جاکارتا)، آسه‌آن چین را به‌عنوان شریک مذاکراتی کامل پذیرفت. در دسامبر ۱۹۹۷، رئیس‌جمهور چین، جیانگ زمین^۲ و تمامی رهبران آسه‌آن، اولین نشست غیررسمی خود (آسه‌آن به‌علاوه یک) را برگزار کرده و بیانیه مشترکی را جهت ایجاد مشارکت همسایگی خوب و اعتمادسازی متقابل با چشم‌انداز قرن بیست‌ویکم منتشر کردند (Lijun, 2003: 440-441). در شکل‌گیری رژیم آسه‌آن به‌علاوه سه، سیزده

1. ASEAN Ministerial Meeting (AMM)

2. Jiang Zemin

دولت نقش داشتند که چین به‌عنوان بازیگر اصلی در پی ترجیحات و منافع ملی خویش، در پی کسب حداکثر سود بود و در همین زمینه، رژیم آسه‌آن به‌علاوه سه را برای تأمین منافع خود شکل داد. روند تدریجی ارتباطات سه کشور ژاپن، کره جنوبی و به‌خصوص چین با آسه آن نیز به شکل‌گیری و تقویت تدریجی روابط بین طرفین منجر شد، این امر در قالب دیدارها و بررسی اعمال و رفتار طرفین (بازی تکراری) صورت گرفت.

قدم مهمی که قبل از اجلاس آسه‌آن به‌علاوه سه برداشته شد و نقطه عطفی در شکل‌گیری آسه‌آن به‌علاوه سه محسوب می‌شد، کسب موفقیت در نشست آسیا اروپا ۱۹۹۶ در بانکوک، با حضور رهبران هفت کشور آسه‌آن به‌علاوه چین، ژاپن و کره جنوبی بود (Nemoto & Nakagawa, 2014:189). آسه‌آن و سه قدرت شرق آسیا یعنی چین، ژاپن و کره جنوبی، گروهی آسیایی را برای تسهیل گفت‌وگو با هم‌تایان اروپایی خود سازمان‌دهی کردند. گردهمایی آسه‌آن به‌علاوه سه در اولین نشست آسیا اروپا، شالوده چارچوب بعدی سازمان آسه‌آن به‌علاوه سه در ۱۹۹۷ را شکل داد (He, 2008: 74).

در ژانویه ۱۹۹۷، نخست‌وزیر ژاپن ریوتارو هاشیموتو^۱ از آسیای جنوب شرقی دیدن کرد و آسه‌آن به‌علاوه سه را مطرح ساخت (Lapavitsas, 2005: 206). وقتی مالزی پیشنهاد تشکیل آسه‌آن به‌علاوه سه را در سال ۱۹۹۷ داد، چین یکی از نیرومندترین حمایت‌کنندگان آن در میان قدرت‌های آسیایی بود. چین اشتیاق خود نسبت به آسه‌آن به‌علاوه سه را در همان ابتدا نشان داد. در نشست سال ۱۹۹۸ آسه‌آن به‌علاوه سه، چین افزایش هماهنگی میان بانک‌های مرکزی کشورهای رژیم مزبور را مطرح کرد. نشست سال ۲۰۰۰، نقطه عطف همکاری آسه‌آن به‌علاوه سه در حوزه ادغام پولی منطقه‌ای بود (He, 2008: 74). در سال ۲۰۰۰ چین نقش فعالی را در طرح چیانگ می^۲ جهت ایجاد شبکه‌ای از ترتیبات مبادله و ذخیره ارزی به‌منظور جلوگیری از بحرانی مشابه (بحران پولی و مالی شرق آسیا در سال ۱۹۹۷) در آینده بازی کرد (Hörhager, 2016: 368). طرفین در نهایت به این نتیجه رسیدند که مرادوات و همکاری بین آنها سود بیشتری را در برخواهد داشت و به همین سبب، چارچوبی را برای تنظیم اقدامات خود شکل دادند که بعد از بحران سال ۱۹۹۷ در قالب آسه‌آن به‌علاوه سه ظاهر شد.

به‌نظر می‌رسد چین در آسه‌آن به‌علاوه سه دو هدف عمده را دنبال می‌کند؛ اول، مرادوات اقتصادی: چین به‌دنبال آن است تا رابطه با آسه‌آن را گسترش دهد و تحکیم کند و پیشنهاد تشکیل منطقه آزاد تجاری را در نشست آسه‌آن به‌علاوه سه مطرح کرده است؛ دوم، نفوذ سیاسی: چین به سمت وابسته کردن کشورهای جنوب شرق آسیا به خود است تا از این طریق،

1. Ryutaro Hashimoto

2. Chiang Mai

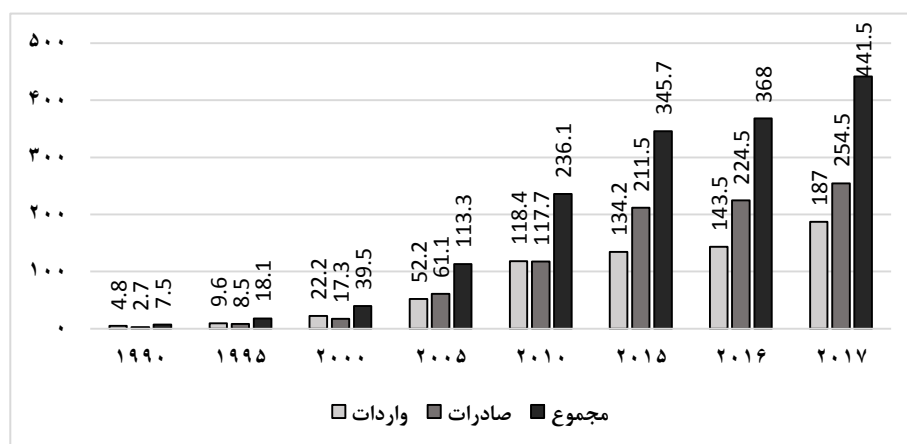
از نفوذ بیش‌ازحد کشورهای دیگر در منطقه همجوار خویش جلوگیری کند. به صورت خلاصه، سودمحوری دلیل اصلی چین (به‌عنوان بازیگر اصلی) جهت شکل‌دهی و استقرار رژیم آسه‌آن به‌علاوه سه و تلاش‌های صورت‌گرفته چین در قالب رژیم مزبور تأییدکننده آن است.

۲.۲. منطقه آزاد تجاری چین- آسه‌آن

ایده منطقه آزاد تجاری آسه‌آن برای اولین بار در سومین نشست سران آسه‌آن به‌علاوه سه در سال ۱۹۹۹، با اتمام بحران مالی آسیا، مطرح شد. با درک آسیب‌پذیری نسبت به نوسانات بازار جهانی، آسه‌آن در مورد همکاری بیشتر با چین ابراز امیدواری کرد و از چین خواست نقش مهم‌تری را در اقتصاد منطقه بازی کند. در پاسخ، چین نیز همکاری اقتصادی نزدیک‌تر را از طریق تشکیل منطقه آزاد تجاری آسه‌آن مطرح کرد و طرح بلافاصله توسط آسه‌آن پذیرفته شد (Cai, 2011: 150). چین فعالانه به‌دنبال سیاست منطقه آزاد تجاری، به‌خصوص بعد از تضمین عضویت خود در سازمان تجارت جهانی (۲۰۰۱) بود. با پیش‌بینی ورود به سازمان تجارت جهانی، چین و آسه‌آن در سال ۲۰۰۰ موافقت کردند امکان تشکیل منطقه آزاد تجاری بین خود را به‌صورت مشترک بررسی کنند. اندیشه غالب در مورد طرح منطقه آزاد تجاری چین-آسه‌آن این بود که حقیقتاً ایده‌ای غیرواقعی است و اغلب ذرطرح مزبور را فقط خدمات سطح پایین می‌دانستند و توجه زیادی به آن نمی‌کردند. در نشست آسه‌آن-چین در سال ۲۰۰۱، رهبران آسه‌آن و چین برای ایجاد منطقه آزاد تجاری تا سال ۲۰۱۰ موافقت کردند. بعد از آن تصمیم‌گیران ژاپنی کاملاً از سیاست منطقه‌گرایی تجاری فعال چین آگاه شدند (Hamanaka, 2008: 76). توافق مزبور بدین‌معناست که اهمیت آن خیلی بیشتر از خصومت‌ها و منازعات تاریخی بین آسه‌آن و چین است و نمی‌تواند به‌عنوان عاملی بسیار مهم روابط آسه‌آن و جمهوری خلق چین را تحت تأثیر قرار دهد. مقامات چینی معتقدند که این رژیم، ابزاری را برای چین فراهم کرد تا بتواند ژاپن و کره جنوبی را به‌عنوان قدرت‌های اقتصادی و سیاسی مسلط در جنوب شرق آسیا کنار بزند. رژیم فوق ابزاری است که نه‌تنها پیوندهای تجاری، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را از طریق آزادسازی قوانین تجارت، سرمایه‌گذاری و خدمات دوجانبه میان اعضا ایجاد می‌کند، بلکه منافع اقتصادی برجسته‌ای را برای دو طرف در بردارد (Angresano, 2006: 122). تجارت چین با آسه‌آن در سال ۱۹۹۴، ۳۰ درصد افزایش یافت و در سال ۱۹۹۵، ۴۰ درصد افزایش را پشت سر گذاشت و به سطح ۲۰ میلیارد دلار رسید. ارقام مربوط به حوزه مزبور در سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ ثابت ماند. آسه‌آن در اواسط دهه ۱۹۹۰ نزدیک به ۷ درصد تجارت خارجی چین را تشکیل می‌داد و چین کمتر از ۵ درصد کل

تجارت آسه‌آن را به خود اختصاص داده بود. در کل، تجارت (صادرات و واردات) چین و آسه‌آن متوازن بود. زمانی که این کشورها با موفقیت نسبی، عواقب منفی بحران اقتصادی آسیا در سال ۱۹۹۷-۹۸ را پشت سر گذاشتند، چین نیز رشد اقتصادی برون‌گرا و قوی خود را ایجاد کرد، به نحوی که تجارت چین و آسه‌آن در سال ۲۰۰۱ بیش از ۴۱ میلیارد دلار بود. سنگاپور بزرگ‌ترین شریک تجاری چین و مالزی، تایلند و اندونزی در مراتب بعدی و فیلیپین با فاصله بیشتری، پنجمین شریک تجاری چین بودند. در سال ۲۰۰۱، آسه‌آن پنجمین شریک تجاری چین بود. سهم تجارت آسه‌آن در تجارت کل چین همچنان افزایش می‌یافت و در سال ۲۰۰۱ به ۸/۲ درصد رسید. چین ششمین شریک بزرگ تجاری برای اقتصادهای صادرات‌محور عمده آسه‌آن بود. حجم تجارت چین و آسه‌آن در سال ۲۰۰۲، ۵۵ میلیارد و در ۲۰۰۳، ۷۸ میلیارد دلار بود (Sutter, 2005: 181-182).

در ادامه در سال ۲۰۰۴ موافقت‌نامه تجارت کالا بین چین و آسه‌آن امضا و در سال ۲۰۰۵ اجرایی شد (Yang & Heng, 2012: 54). چین با عقلانیت موجود در پس اقدامات خود (حداکثرسازی منافع اقتصادی) به سمت همکاری با مجموع کشورهای آسه‌آن حرکت کرد. این عمل چین پس از پیوستن به سازمان تجارت جهانی فزونی یافت و اهداف مذاکرات و نشست های طرفین به مرحله اجرا درآمد. همان‌طور که برخی از واقعیت‌های روابط تاریخی دو طرف را از نظر گذرانیم، توسعه و تعمیق همکاری نتیجه تلاش‌های مداومی است که کسب سود حاصل از همکاری‌های دو و چندجانبه را دربر داشته و انگیزه‌های لازم را برای پیگیری مؤثر به طرفین القا کرده است.



نمودار ۱. تجارت کالا چین-آسه‌آن ۱۹۹۰-۲۰۱۶ (بیلیارد دلار)

منبع: (ASEAN Secretariat, 2018; IMF, 2018)

براساس نمودار ۱ می‌توان نتیجه گرفت که روابط چین و آسه‌آن در حوزه تجارت کالا رشد چشمگیری را در دو دهه اخیر شاهد بوده است. در اوایل دهه ۱۹۹۰ واردات چین از آسه آن بیشتر از صادرات این کشور به منطقه جنوب شرق آسیا بود. به عبارت دیگر چین در تجارت کالا با آسه‌آن دارای تراز تجاری منفی بود، به گونه‌ای که در سال ۱۹۹۰ صادرات چین به آسه‌آن ۲/۷ میلیارد دلار برآورد شده است، در صورتی که واردات کالای چین از آسه‌آن ۴/۸ میلیارد دلار بود و چین با ۱/۲ میلیارد دلار کسری تراز تجاری در تجارت کالا با آسه‌آن مواجه بود.

روند افزایش تجارت کالا میان چین و آسه‌آن با ایجاد منطقه آزاد تجاری چین-آسه‌آن در سال ۲۰۰۲ خود را نشان داد، به نحوی که در فاصله سه سال، افزایش حدود سه برابری را می‌توان مشاهده کرد و کسری تراز تجاری که چین در اوایل دهه ۱۹۹۰ با آن مواجه بود، در سال ۲۰۰۵ به تراز تجاری مثبت تبدیل شد و حجم تجارت کل دو طرف در سال ۲۰۱۷ به اوج خود یعنی رقم ۴۴۱/۵ میلیارد دلار رسید. چین در سال ۲۰۱۷ در تجارت کالا با آسه‌آن دارای ۶۷ میلیارد دلار تراز تجاری مثبت بوده است. همچنین مجموع تجارت کالا در اوایل دهه ۱۹۹۰، ۷/۵ میلیارد دلار بود و این رقم در سال ۲۰۱۷ به ۴۴۱/۵ میلیارد دلار رسید که وابستگی متقابل (نامتقارن) دو طرف را بازگو می‌کند. دلیل افزایش فزاینده تجارت چین و آسه‌آن، آزادسازی تجارت مطابق با استانداردهای تجارت جهانی (البته نه به صورت کامل) و رشد و گسترش حجم اقتصادی، به علاوه اهمیت منطقه همجوار چین، برای این کشور است. چین با اهرم و ظرفیت اقتصادی خود _ که به این کشور توان بازیگری غالب در شرق آسیا را می‌دهد _ توانسته است کشورهای آسه‌آن را به سمت تأمین حداکثری منافع اقتصادی خویش (نه به صورت یکجانبه) سوق دهد.

به سبب وقفه‌ای که در آزادسازی تجارت خدمات در چارچوب سازمان تجارت جهانی به وجود آمد، کشورهای شرق آسیا به ایجاد موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد ترجیحی چندجانبه با پوشش گسترده جهت صورت‌بندی اجتماع منطقه‌ای دست زدند (Ishido, 2011: 1). موافقت نامه تجارت خدمات بین چین و آسه‌آن نیز در همین زمینه در سال ۲۰۰۷ امضا و اجرایی شد (Holden, 2011: 79).

اقدامات چین به عنوان بازیگر اصلی شرق آسیا برای ایجاد و ارتقای بلوک یا رژیم‌های هدف افزایش منافع اقتصادی و به تبع آن توسعه و حفظ جایگاه برتر خود، کشورهای آسه‌آن را نیز به این نتیجه رسانده که چین به عنوان شریک تجاری (با دارا بودن ۱/۴ میلیارد نفر جمعیت و تولید ناخالص داخلی بیش از ۱۲ تریلیون دلار در سال ۲۰۱۷)، ظرفیت بالایی جهت تعمیق و توسعه همکاری دارد و همین امر، به گسترش همکاری‌های طرفین سرعت بیشتری بخشیده

است. شفافیت ایجادشده توسط کشورهای مزبور به تدریج به اعتمادسازی منجر شده و نتیجه آن، دستاوردهای اقتصادی وسیع (در قالب رژیم مذکور) برای چین و سران آسه‌آن بوده است. طرفین حاضر در رژیم منطقه‌ای مزبور، با مشاهده نتیجه به دست آمده از همکاری‌های اولیه، به سمت راهبردهای تأمین منافع بلندمدت‌تر (مانند تعمیق و توسعه منطقه آزاد تجاری دوجانبه) حرکت کرده‌اند.

جدول ۱. تجارت خدمات چین-آسه‌آن (میلیون دلار)

کشور	سال	۲۰۰۶	۲۰۰۸	۲۰۱۰	۲۰۱۲	۲۰۱
سنگاپور- چین	۸۳۲	۱۳۲۰	۲۲۶۷	۴۰۲۸	۴۷۲۴	
اندونزی- چین	۷۰۹	۲۲۳۶	۳۵۱۷	۳۵۷۶	۴۹۰۷	
ویتنام- چین	۵۵۲	۱۹۲۳	۳۱۰۹	۳۱۸۴	۴۲۱۶	
برونئی- چین	۹	۰/۰۶۶	۳۸	۶۷	۳۹	
تایلند- چین	۶۲۵	۴۸۲	۴۶۱	۱۱۳۱	۱۸۹۰	
میانمار- چین	۲۷۷	۶۸۲	۱۳۳۳	۲۴۱۲	۹۰۱	
مالزی- چین	۴۳۰	۷۵۶	۱۳۰۸	۲۵۲۴	۳۳۴۰	
لائوس- چین	۱۵۱	۲۲۵	۵۷۳	۲۱۰۷	۲۵۹۳	
کامبوج- چین	۹۸	۳۵۹	۶۴۸	۱۲۹۴	۱۰۸۵	
فیلیپین- چین	۳۹۴	۳۹۴	۱۷۲۲	۱۱۸۴	۱۳۷۷	
آسه‌آن- چین	۴۰۸۰	۸۳۸۲	۱۵۰۳۰	۲۱۵۱۲	۲۵۰۸۵	

منبع: (ASEAN Secretariat, 2018)

در جدول ۱ تجارت خدمات چین و آسه‌آن از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ قابل مشاهده است. از بررسی آمار و ارقام می‌توان نتیجه گرفت که تجارت خدمات بین چین و آسه‌آن بعد از امضای موافقت‌نامه تجارت خدمات در سال ۲۰۰۷، رشد چشمگیری داشته است. همکاری‌های دو طرف (یا به‌طور عینی‌تر چین و ده کشور جنوب شرق آسیا) به‌عنوان بازیگران اصلی صحنه بین‌المللی، روندی تصاعدی را نشان می‌دهد و طرفین به‌خصوص چین از این موافقت‌نامه سود فراوانی را به دست می‌آورند. به هر حال روند فزاینده رژیم‌سازی همین‌جا متوقف نمی‌شود، بلکه با گذشت زمان از تنوع و قوت بیشتری برخوردار شده و فواید به‌نسبت کلانی را عاید چین ساخته است. چین با عقلانیت منفعت‌محور و تجربه افزایش همکاری اقتصادی با آسه‌آن در قالب موافقت‌نامه تجارت کالا، در پی توسعه و بسط آن در قالب موافقت‌نامه تجارت

خدمات برآمد و با بررسی اجمالی آمار موجود می‌توان به حداکثرسازی منافع این کشور به عنوان بازیگر اصلی شرق آسیا پی برد.

در اوت ۲۰۰۹، چین و آسه‌آن موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری چین-آسه‌آن را در چهل‌ویکمین نشست وزرای اقتصادی آسه‌آن تصویب کردند. موافقت‌نامه مزبور، همراه با موافقت‌نامه‌های تجارت کالا و خدمات چین-آسه‌آن که قبلاً امضا شده بود، فرایند مذاکرات منطقه آزاد تجاری چین و آسه‌آن را کامل کرد. همچنین راه اجرایی شدن منطقه آزاد تجاری را از ژانویه ۲۰۱۰ برای چین و اعضای قدیمی‌تر آسه‌آن (برونئی، اندونزی، مالزی، فیلیپین، سنگاپور و تایلند) هموار ساخت (Yang & Heng, 2012: 56-57).

جدول ۲. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین در کشورهای آسه‌آن (هزار دلار)

کشور مقصد	۲۰۱۰	۲۰۱۲	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷
برونئی	۷					
کامبوج	۱۲۶۹۳۸	۳۶۷۷۵۸	۵۵۳۸۸۵	۵۳۷۶۸۰	۵۰۱۵۴۱	۶۱۸۰۱۰
اندونزی	۳۵۳۵۶۸	۳۳۵۰۹۳	۱۰۶۸۲۱۲	۳۲۳۵۴۱	۲۹۸۵۱۸۵	۱۸۴۰۰۸۲
لائوس	۴۵۵۷۲	۰	۶۱۴۲۶۳	۶۶۵۰۹۰	۷۰۹۹۸۱	۱۳۱۳۰۶۲
مالزی	-۶۴۴۷	۳۳۷۰۱	۳۰۲۲۱۰	۲۷۵۲۴۷	۸۳۱۵۶	۱۶۰۰۰۴۶
میانمار	۱۵۲۰۹۰۰	۴۸۲۲۰۰	۷۰۵۴۲	۵۲۴۳۸	۲۰۵۴۸۳	۵۵۴۰۳۷
فیلیپین	۱۸۵	-۱۶۱۴	۴۶۶۱۳	۵۹۰۲۲	۱۹۵۴۷	۲۸۰۷۹
سنگاپور	۶۹۹۳۰۰	۶۱۶۲۶۰۰	۳۴۰۱۳۰۰	۳۸۱۲۷۰۰	۵۳۶۷۶۰۰	۴۴۸۳۰۸۰
تایلند	۶۳۳۴۳۱	۵۹۸۴۵۶	-۸۱۷۶۶	۳۰۵۴۷۳	۲۵۵۶۱۳	۷۸۰۹۱
ویتنام	۱۱۵۱۴۲	۱۹۰۰۲۶	۲۰۹۵۶۰	۳۸۱۰۱۲	۹۶۹۴۳۸	۸۵۲۰۰۲

منبع: (ASEAN Secretariat, 2018)

ارقام و آمار ارائه شده در جدول ۲ نشان‌دهنده حجم سرمایه‌گذاری چین در کشورهای آسه‌آن است. چین به‌عنوان بازیگر اصلی به برخی کشورهای منطقه گرایش بیشتری دارد. در ویتنام و مالزی به یکباره در سال ۲۰۱۶ شاهد افزایش بیش از ۲۰۰ درصدی حجم سرمایه‌گذاری چین هستیم. این امر برای مالزی در سال ۲۰۱۷ مجدداً تکرار شده، به نحوی که حجم سرمایه‌گذاری چین در این کشور نسبت به سال قبل، دو برابر شده است. به‌صورت کلی نیز در سال ۲۰۱۷ حجم سرمایه‌گذاری مستقیم چین در کشورهای آسه‌آن اندکی رشد را نشان می‌دهد، یعنی از ۱۱/۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ به ۱۱/۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ رسیده است و در سال‌های آینده، این امر به احتمال زیاد (اما به نسبت‌های متفاوت) ادامه خواهد داشت. چین با همکاری در قالب آسه‌آن به‌علاوه سه و کسب نتایج مثبت، به این نتیجه رسید که منطقه آزاد تجاری می‌تواند جایگاه این کشور در مناسبات با آسه‌آن را تثبیت کند و منافع بیشتری را برای

چین به ارمغان آورد. به همین دلیل، به سمت منطقه آزاد تجاری دوجانبه پیش رفت تا به صورت یکجانبه (در مقابل کشورهای رقیب) آسه‌آن را به سمت خود سوق دهد.

۲.۳. بانک سرمایه‌گذاری زیرساختی آسیایی

در سال ۲۰۰۸ چین تأسیس صندوق تعاون سرمایه‌گذاری چین-آسه‌آن را اعلام کرد و متعهد شد، وام‌هایی به ارزش ۱۵ میلیارد دلار به کشورهای آسه‌آن اختصاص دهد (Hong, 2015: 97). توسعه شبکه‌های حمل‌ونقل چندوجهی و به‌هم‌پیوسته‌تر در شرق آسیا یکی از فعالیت‌های تسهیل‌کننده منطقه‌ای شدن است. بهبود و توسعه زیرساخت‌های ارتباطی از جدیدترین حوزه‌های مورد توجه همکاری و اقدامات ادغام منطقه‌ای آسیا و شرق آسیاست. براساس تخمین بانک توسعه آسیایی، زیرساخت کشورهای آسیا در دوره زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ به ۸/۲ تریلیون دلار نیاز دارد و ۳۲۰ میلیارد دلار دیگر نیز برای توسعه نزدیک به ۱۲۰۰ پروژه زیرساختی ارتباطی ضروری در منطقه مورد نیاز خواهد بود (Dent, 2017: 75). طرح جامع پیوند آسه‌آن که در سال ۲۰۱۰ ایجاد شد، تأکید زیادی بر پیوند و ارتباط منطقه داشت و پنج حوزه شامل زیرساخت‌های پایدار، نوآوری دیجیتال، هماهنگی یکپارچه، برتری نظم و بسیج افراد را در برمی‌گرفت (Asean Secretariat, 2016: 7,15). طرح مزبور به دنبال ادغام بیشتر منطقه‌ای با بیش از ۶۰۰ میلیون نفر و تولید ناخالص داخلی ۲/۵ تریلیون دلار بود. چند پروژه در اولویت قرار داده شده بودند که شبکه بزرگراهی آسه‌آن، راه‌آهن ارتباطی کانمینگ^۱ سنگاپور و شبکه بارگیری مستقیم را شامل می‌شد. مشاهده چنین سطحی از تمایل به پیوند و بحث‌های تأمین منابع مالی آن، موجب شد چین وقت را غنیمت بشمارد و ایده تأسیس بانک سرمایه‌گذاری زیرساختی آسیایی را مطرح کند (Basu Das, 2016: 249 & 251).

بانک سرمایه‌گذاری زیرساختی آسیایی جدیدترین طرح برای بهبود زیرساخت‌های آسیا است که توسط چین ارائه شد. در سال ۲۰۱۳ اعلام شد، بانک براساس برنامه‌ریزی بیجینگ فعالیت خود را در اواخر سال ۲۰۱۵ شروع خواهد کرد. اعضای مؤسس، اعضای آتی آن را ۵۷ کشور اعلام کردند که (با وجود مخالفت ایالات متحده) فرانسه، انگلیس، آلمان، استرالیا و نیوزیلند را نیز شامل می‌شد. این کشورها، مشارکت در بانک مزبور را به‌منزله فرصتی برای افزایش مبادلات تجاری خود با چین تلقی می‌کنند. سرمایه اولیه بانک به میزان ۵۰ میلیارد دلار (شامل مشارکت ۱۰ میلیارد دلاری کشورهای عضو) بود. در عمل، بانک برای ایجاد موازنه در مقابل تأثیر بانک توسعه آسیایی (تحت سلطه ژاپن)، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی (تحت سلطه ایالات متحده) شکل گرفت (Klecha-Tylec, 2017: 115).

1. Kunming

بانک سرمایه‌گذاری زیرساختی آسیایی به تأمین سرمایه برای ایجاد زیرساخت‌ها کمک می‌کند. بانک به‌ویژه به‌منظور تکمیل نیازهای زیرساختی جهان در حال توسعه و به‌خصوص منطقه شرق آسیا طراحی شده است. از میان کشورهای اصلی، ژاپن و ایالات متحده در بانک مشارکت نکرده‌اند. برخی از سران کشورهای مزبور نیز در مورد دستیابی بانک به اهداف خود دچار شک و تردید هستند (Liu, 2017: 94-95). به‌دلیل روند کند توسعه زیرساخت کشورهای آسیا و سلطه سازمان‌های غربی به‌واسطه منافع آنها و تخصیص سرمایه اندک جهت توسعه زیرساخت‌های آسیا، چین پیشنهاد تشکیل بانک را داد تا روند توسعه زیرساختی آسیا را تسریع بخشد (Lanteigne, 2016: 93). بانک نیازهای زیرساختی قابل توجه اعضا آسه‌آن را با سرمایه‌ای اضافی تأمین خواهد کرد (شاید با شرایط سهلی که نسبت به رژیم‌های مالی بین‌المللی دارد) (Severino & Thuzar, 2016: 37-38). محرک و دلیل چین به‌عنوان بازیگر اصلی در شکل‌دهی به این رژیم، هموار ساختن راه ظهور، تثبیت جایگاه اقتصادی و فراهم ساختن بازار مصرف و زیرساخت‌های مورد نیاز جهت همکاری بیشتر با کشورهای مختلف جهان است، این امر به ایجاد مشروعیت مضاعف برای چین (به‌واسطه کمک‌های خود به کشورهای متقاضی) منجر خواهد شد و به چین اهرم بازیگری بیشتری اعطا خواهد کرد. انگیزه‌های مذکور چین را بیشتر به سمت همکاری (بازی کردن نقش حامی) با کشورهای آسیایی سوق می‌دهد. رژیم منطقه‌ای مزبور نسبت به رژیم‌های قبلی از وسعت بیشتری برخوردار است و این امر نشان‌دهنده دیدگاه راهبردی و عقلانیت محاسبه‌گر چین جهت تأمین و کسب منافع هرچه بیشتر در قالب همکاری‌های بین‌المللی است. چین به‌عنوان دولتی تأثیرگذار در منطقه شرق آسیا (و حتی جهان)، نزدیک به ۳۲ درصد در سال ۲۰۱۷ (در اواخر سال ۲۰۱۸، ۳۰ درصد) سهام بانک را در اختیار دارد و این امر به چین قدرت بازیگری بیشتری نسبت به دیگر اعضا می‌دهد. چین می‌تواند از این رژیم در جهت دستیابی به اهداف خود، حتی در عرصه جهانی و در مقابل دیگر قدرت‌های جهان استفاده کند و سود بیشتری را به‌دست آورد.

تا اواخر سال ۲۰۱۷ بانک سرمایه‌گذاری زیرساختی آسیایی ۲۴ پروژه به ارزش ۴/۲۶ میلیارد دلار را طی بیش از دو سال به انجام رسانیده است. از میان ۲۴ پروژه تا اوایل سال ۲۰۱۸، ۵ مورد آن مربوط به سه کشور اندونزی (سه مورد به ارزش ۲۱۶/۵، ۱۰۰ و ۱۲۵ میلیون دلار) فیلیپین (یک مورد به ارزش ۵۰۰ میلیون دلار) و میانمار (یک مورد به ارزش ۲۰ میلیون دلار) است که نشان‌دهنده نزدیک به یک‌چهارم سرمایه‌گذاری چین در منطقه جنوب شرق آسیاست (به‌تدریج تعداد کشورهای عضو نیز افزایش یافته و به عدد ۸۴ تا ژوئیه ۲۰۱۸ رسیده است). پروژه‌های دیگر این بانک در نقاط مختلف آسیا از هند تا تاجیکستان و مصر پراکنده‌اند (AIIB, 2018). تا سپتامبر ۲۰۱۸ بانک در مجموع ۳۵ پروژه به ارزش ۷/۵ میلیارد

دلار را اجرایی کرده که برخی به اتمام رسیده و برخی در حال تکمیل هستند. بانک در تاریخ مذکور ۹۳ عضو (۶۸ عضو اصلی و ۲۵ عضو ناظر) دارد که نسبت به اوایل سال ۲۰۱۷ نزدیک به ۳۰ عضو به آن افزوده شده است (AIIB, 2018). مینگجیانگ لی، معتقد است اگرچه هیچ یک از طرح‌ها کاملاً بر جنوب شرق آسیا متمرکز نیست، تأثیر طرح‌های اقتصادی جدید چین، با نام‌های راه ابریشم دریایی و بانک سرمایه‌گذاری زیرساختی آسیایی بر جنوب شرق آسیا بسیار زیاد است، زیرا با بحث از توسعه زیرساخت، این موضوع آشکار می‌شود که بیشتر کشورهای جنوب شرق آسیا در وضعیت بسیار نامطلوبی قرار دارند (Lim, 2017: 146). اقدامات چین در منطقه نشان‌دهنده تلاش چین در راستای تأمین منافع و تثبیت جایگاه خود به عنوان راهبر این کشور است. رژیم‌سازی‌های چین آشکارا حاکی از عقلانیت این دولت در پیگیری سود اقتصادی حاصل از مناسبات و روابط با دیگر کشورهای شرق آسیا و فراتر از آن، در قالب همکاری‌های فزاینده است که در دوره‌های زمانی بعد از بحران سال ۱۹۹۷ به تدریج افزایش یافته و از عمق بیشتری برخوردار شده است.

جدول ۳. بانک سرمایه‌گذاری زیرساختی آسیایی (تا سپتامبر ۲۰۱۸)

دستاوردها	اهداف	اعضا	بازبرگ اصلی
		۴۴ عضو منطقه‌ای،	
		۲۴ عضو غیرمنطقه‌ای و	
تأمین مالی ۳۵ پروژه	تسریع روند توسعه	۲۵ عضو ناظر (۶ عضو	چین (دارا بودن ۳۰
زیرساختی در بیش از ۱۳ کشور با مجموع ۷/۵ میلیارد دلار	زیرساختی بلندمدت اقتصادی (تحکیم نقش چین به عنوان رهبر منطقه شرق آسیا)	منطقه‌ای و ۱۹ عضو غیر منطقه‌ای)، در مجموع ۹۳ عضو.	درصد از سهام بانک)
		ژاپن و ایالات متحده	
		به این رژیم نییوسته‌اند.	

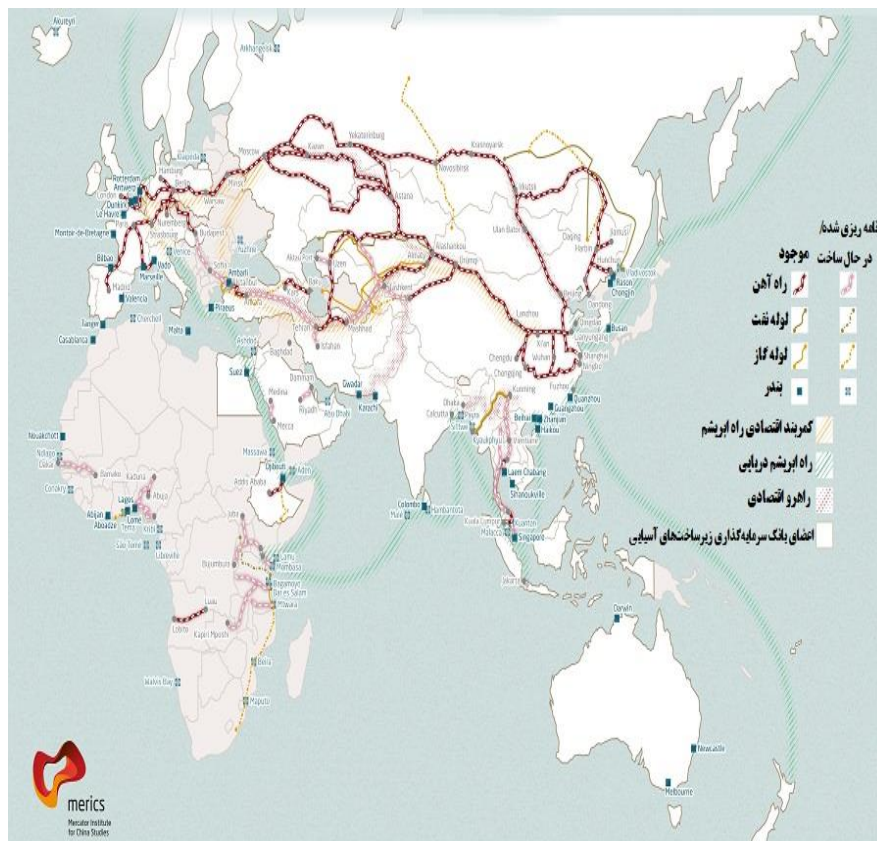
منبع: (AIIB, 2018)

۲.۴. ابتکار کمربند و راه

طرح یک کمربند یک راه ابتدا توسط شی جین پینگ^۱ رئیس‌جمهور چین، در سپتامبر ۲۰۱۳ مطرح شد. شی جین پینگ در دانشگاه نظربایف^۲ قزاقستان طرح را اعلام کرد. برای اولین بار بود که رهبر چین دیدگاه راهبردی خود را اعلام می‌کرد (Larçon & Barré, 2017: 2). چین در

1. Xi Jinping
2. Nazarbayev University

سال ۲۰۱۶، به دلیل سوء تعبیر از نام این ابتکار، به خصوص از "یک" کمربند "یک" راه، عنوان آن را به ابتکار کمربند و راه تغییر داد.



تصویر ۱. ابتکار کمربند و راه چین (تا ماه مه ۲۰۱۸)

منبع: (MERICS, 2018)

در تصویر ۱، ابتکار کمربند و راه چین نمایش داده شده است. طرح، سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا را در برمی گیرد. ابتکار کمربند و راه تا سپتامبر ۲۰۱۸، ۸۸ کشور را شامل می شود که نسبت به اوایل سال ۲۰۱۸ نزدیک به ۱۰ عضو به رژیم مزبور اضافه شده است (HKTDC, 2018). طرح کمربند و راه دو شاخه دارد که یک شاخه آن با نام کمربند اقتصادی راه ابریشم،

۱. واژه یک...یک در زبان انگلیسی نامناسب است و از آن برای تأکید بر معنی یا وجود چیزی استفاده می شود، اما در زبان چینی برای ایجاد هماهنگی در ساختار جمله به کار می رود، به همین دلیل پیشنهاد شد در انگلیسی ترجمه دیگری جایگزین آن شود. دلیل دیگر تغییر نام این ابتکار، توسعه و گسترش راه ابریشم به چندین طرح و راه از جمله زمینی و دریایی است.

قسمت خشکی را در برمی‌گیرد و از استان زی آن^۱ (شآنکسی^۲) تا ونیز ایتالیا امتداد دارد. شاخه دوم طرح کمر بند و راه، با عنوان راه ابریشم دریایی است که از استان فوژو^۳ (فوجی آن^۴) تا ونیز ادامه دارد. چین همچنین شش راهرو اقتصادی را در نقاط مختلف در برمی‌گیرد و با هدف تأمین مواد خام (نفت و گاز) و حمل‌ونقل کالا بین کشورهای در طول مسیر اجرایی و در حال اجراست.

راه ابریشم دریایی برای اولین بار توسط شی جین پینگ طی دیدار از جنوب شرق آسیا (اندونزی) در اکتبر ۲۰۱۳ مطرح شد (Casarini, 2017: 29). شاخه دریایی ابتکار مزبور، ۲۹ کشور ساحلی را از دریای چین جنوبی تا اقیانوس هند در برمی‌گیرد و ۲۸ کشور ساحلی غرب اقیانوس آرام تا اقیانوس هند در نزدیکی چین (به جز کشورهای اروپایی متصل شده توسط کانال سوئز) را شامل می‌شود. در میان کشورهای مذکور، ۹ کشور جنوب شرق آسیا شامل اندونزی، مالزی، میانمار، سنگاپور، تایلند، کامبوج، ویتنام، فیلیپین و برونئی حضور دارند (Zhu, 2016: 10). این ابتکار، به صورت بالقوه توسعه بنادر در چندین کشور جنوب شرق آسیا را شامل می‌شود (Nehru, 2017: 36). همسایگان چین بیش از ۲۰ کشورند که از طریق خشکی و دریا به آنها متصل شده است. به همین دلیل در این ابتکار، چین اولویت دیپلماتیک خود را بر توسعه دوستی با همسایگان قرار داده است. در سال ۲۰۱۳ کنفرانسی در خصوص کار دیپلماتیک بر روی کشورهای همسایه در بیجینگ تصریح کرد که مناطق همسایه با توجه به جغرافیا، محیط و روابط درهم‌تنیده، اهمیت راهبردی زیادی دارند، به همین دلیل چین باید دیپلماسی خود را مشخص و مدیریت کند و توجه ویژه‌ای به کشورهای همسایه داشته باشد (Zhang, 2015: 8). واقعیت اقتصاد جهانی، یعنی فاصله بیشتر بین کشورها، احتمال کمتر تجارت، دلیلی است که چرا کشورها بیشتر اوقات با همسایگان معامله می‌کنند. آسه‌آن با تولید ناخالص داخلی بالقوه ۲/۵ تریلیون دلار و دربرگیرنده ۶۳۵ میلیون نفر با مجموع ۱۰ کشور در سال ۲۰۱۷ است. نهاد مزبور در حال حاضر ششمین اقتصاد بزرگ جهان و سومین اقتصاد بزرگ آسیاست (ASEAN Secretariat, 2017: 15-16). در صورتی که جهان به بیجینگ جهت هدایت رشد اقتصاد جهانی چشم دوخته‌اند، همسایگان چین بیش از هر زمان دیگری به پول، تأمین مالی و تجارت با چین وابسته‌اند (Arase, 2015: 405). هدف اصلی این ابتکار گسترده برای چین، توسعه استان‌های غربی محاط در خشکی و قادر ساختن آنها به منظور دستیابی به بازارهای جنوب شرق آسیاست. این عملی است در راستای گسترش همگرایی و

1. Xi'an
2. Shaanxi
3. Fuzhou
4. Fujian

پیوستگی اقتصادی بین چین و جنوب شرق آسیا که به وسیله احیای راه ابریشم دریایی همراه با شبکه نوین راه آهن های سریع، بزرگراه ها، خطوط لوله و بنادر بسیط در امتداد منطقه، با هدف پیوند نزدیک تر منافع چین با کشورهای مجاور صورت خواهد گرفت (Zhao, 2017: 211). براساس آمار، بیش از ۴۰ میلیون چینی در جنوب شرق آسیا حضور دارند که اکثریت آنها در تایلند، اندونزی، سنگاپور و مالزی زندگی می کنند و نیروی محرک اصلی راه ابریشم دریایی چین در قرن بیست و یکم محسوب می شوند (Miao & Wang, 2017: 126). این منطقه با دارا بودن بیش از ۶۴۰ میلیون مصرف کننده برای چین از اهمیت بسیاری برخوردار است. چین با ابتکار مزبور، در تلاش است تا ساختارهای کشورها، به ویژه همسایه را با زیرساخت ها و نیازهای خود سازگار کند و از این راه سود بیشتری را عاید خود سازد.

تأمین مالی، از منابع گوناگون چینی (حکومت محلی و مرکزی، بانک ها و شرکت های دولتی) می تواند به میلیارد ها دلار برسد. این سرمایه گذاری های ساختاری به نیروی همگرایی درونی اقتصاد جنوب شرق آسیا و بین جنوب شرق آسیا و چین خواهد افزود (Nehru, 2017: 36). چین به عنوان بازیگر اصلی و با عقلانیت محاسباتی (بیشینه سازی سود و منفعت اقتصادی) خود در پی شکل دهی به ساختار کشورهای در حال توسعه در راستای تأمین منافع حداکثری و تضمین رشد اقتصادی خویش با حضور کشورهای سه قاره آسیا، آفریقا و اروپاست، ۸۸ کشور در راستای همکاری در قالب رژیم مزبور به آن پیوسته اند. چین به منظور همکاری با کشورهای عضو به صورت دو و چند جانبه با آنها گفت و گو می کند که این امر به اعتماد سازی و شفافیت اطلاعاتی بین طرفین منجر شده و به دنبال آن روند گسترش همکاری ها پیوسته ادامه دارد.

نتیجه

چین از اوایل دهه ۱۹۹۰ و به تبع آزادسازی اقتصادی، دیپلماسی فعالی را در عرصه بین المللی دنبال کرده است. چین به عنوان بازیگر اصلی در منطقه شرق آسیا و با در اختیار داشتن اهرم اقتصادی عظیم بیش از ۱۲ تریلیون دلار تولید ناخالص داخلی در سال، جذابیت زیادی برای کشورهای مختلف دارد. آزادسازی اقتصادی چین، رشد اقتصادی در ابعاد گوناگون این کشور را به همراه داشت و ظهور واژه ای بود که در اوایل دهه ۱۹۹۰ به چین نسبت داده شد. چین به واسطه افزایش حجم اقتصاد خود، خواهان ایفای نقش بیشتری در مناسبات بین المللی، به ویژه در شرق آسیا بود. پس از بحران شرق آسیا در سال ۱۹۹۷، چین با عقلانیت محاسبه گر خود، فرصت را غنیمت شمرد و وارد بازی بزرگی شده که سودمحوری (کسب و بیشینه سازی منافع اقتصادی) مهم ترین هدف چین در مناسبات با کشورهای منطقه بوده و هدف مزبور به صورت

رژیم‌سازی و حمایت از رژیم‌هایی خاص پدیدار شده است. چین در شکل‌دهی به رژیم‌های متعدد، نقشی کلیدی دارد و هدف تمام آنها در عقلانیت محاسبه‌گر آن، یعنی کسب منافع اقتصادی بیشتر خلاصه می‌شود. کشورهای منطقه به‌ویژه چین به‌عنوان بازیگران اصلی صحنه بین‌المللی، آسه‌آن به‌علاوه سه را با پشت سر گذاشتن یک دهه دیپلماسی فعال، مذاکره و گفت‌وگو جهت تعمیق و گسترش همکاری منطقه‌ای ایجاد کردند. آسه‌آن به‌علاوه سه، سهم بسزایی در اعتمادسازی و آینده روابط شرق آسیا داشت که در قالب نشست‌های منظم و توسعه و گسترش دیدارها (بازی تکراری)، بی‌اعتمادی طرفین نسبت به یکدیگر را از بین برد. رژیم‌سازی‌های چین که نمونه‌های آن بررسی شد، با تلاش‌های مکرر و پیگیر این دولت، در راستای شکل‌دهی به آینده ساختار روابط بین‌دولتی و به‌منظور کسب سود و منافع بیشتر، شکل گرفت. این امر با گذشت بیش از دو دهه، به تدریج گسترش یافت و از عمق بیشتری برخوردار شد. چین و طرفین حاضر در رژیم‌های به‌وجودآمده، با مشاهده مثبت بودن و سودآوری همکاری برای تمام اعضا، به سمت همکاری بیشتر حرکت کرده و به تبع آن، رژیم‌های گسترده تری (از نظر عضویت و حیطة تمرکز) را ایجاد کردند. در حال حاضر رژیم‌های منطقه‌ای مزبور، به‌ویژه ابتکار کمربند و راه و بانک سرمایه‌گذاری زیرساختی آسیایی رشد و توسعه فزاینده‌ای دارند و عدم اعمال محدودیت‌های زیاد (مانند سهل بودن شرایط دریافت وام از بانک تحت رهبری چین)، از مهم‌ترین جاذبه‌های رژیم‌سازی چین محسوب می‌شود. می‌توان گفت چین با اقدامات خویش، توانسته است در روند رژیم‌سازی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای موفق عمل کند و با اقتصاد پویا و عظیم، بر حضور و نفوذ در منطقه شرق آسیا به‌عنوان سکوی خیزش خود بیفزاید. با در نظر گرفتن ویژگی دگرگونی فزاینده جهان کنونی نمی‌توان به‌صورت قطعی و صریح به پیش‌بینی پرداخت، اما آنچه از تجربه همکاری (با بررسی روندی بیش از دو دهه) چین با کشورهای شرق آسیا نتیجه می‌شود، به احتمال زیاد گسترش و تعمیق همکاری (البته به نسبت نامشخص) با کشورهای منطقه مزبور خواهد بود.

منابع و مأخذ

1. Asian Infrastructure Investment Bank (AIIB). (2018). Quick Facts, Available at: <https://www.aiib.org/en/index.html>. (Accessed on: 17/12/2018).
2. Angresano, James (2006). "ASEAN+3: Is an Economic Community in Their Future?" In: International Economic Integration and Asia, Michael G Plummer; Erik Jones, Singapore: World Scientific Publishing.
3. Arase, David (2015). "China's Two Silk Roads: Implications for Southeast Asia" In: The 3rd ASEAN Reader. Ooi Kee Beng; Sanchita Basu Das; Terence Chong; Malcolm Cook; Cassey Lee & Michael Yeo Chai Ming, Singapore: ISEAS.
4. ASEAN Secretariat. (2017). A Journey Towards Regional Economic Integration: 1967-2017. Jakarta: ASEAN Economic Community Department. supported by the European Union, 1-24.
5. ASEAN Secretariat. (2018). ASEAN Stats Data Portal, Available at: <https://data.aseanstats.org/>. (Accessed on: 10/12/2018)

6. Athwal, Amardeep. (2008). *China-India Relations: Contemporary Dynamics*. London and New York: Routledge.
7. Basu Das, Sanchita. (2016). *The ASEAN Economic Community and Beyond: Myths and Realities*. Singapore: ISEAS.
8. Hong Kong Trade Development Council (HKTDC). (2018). *Country Profile*, Available at: <https://beltandroad.hktdc.com/en/country-profiles>. (Accessed on: 18/12/2018).
9. Bian, Fuling, Xie, Yichun. (2016). *Geo-Informatics in Resource Management and Sustainable Ecosystem: Third International Conference, China*. Berlin: Springer-Verlag Berlin Heidelberg.
10. Cai, Kevin G (2011). "China and Economic Regionalism in East Asia" In: *The Ashgate Research Companion to Regionalisms*, Timothy M Shaw; J. Andrew Grant & Scarlett Cornelissen, Farnham, UK: Ashgate Publishing.
11. Casarini, Nicola. (2017). "Maritime Security and Freedom of Navigation from the South China Sea and Indian Ocean to the Mediterranean: Potential and Limits of EU-India Cooperation" In: *Moving Forward EU-India Relations: The Significance of the Security Dialogues*, Nicola Casarini; Stefania Benaglia, & Sameer Patil, Rome: Edizioni Nuova Cultura.
12. Dent, Christopher M. (2017). *East Asian Regionalism*. London and New York: Routledge.
13. Hamanaka, Shintaro (2008). "Comparing summitry, financial and trade regionalisms in East Asia: from the Japanese perspective" In: *China, Japan and Regional Leadership in East Asia*, Christopher M. Dent, Cheltenham, UK and Northampton, MA, USA: Edward Elgar Publishing.
14. He, Kai (2008). "China's Peaceful Rise and Multilateral Institutions: In Search of a Harmonious World" In: *Harmonious World and China's New Foreign Policy*, Guo, Sujian; Blanchard, Jean-Marc F, Lanham: Lexington Books, A division of Rowman & Littlefield Publishers.
15. Hirakawa, Hitoshi (2005). "East Asia and the development of regionalism" In: *Beyond Market-Driven Development: Drawing on the Experience of Asia and Latin America*, Costas Lapavistas, London and New York: Routledge.
16. Holden, Patrick. (2011). *A Dictionary of International Trade Organizations and Agreements*. London and New York: Routledge.
17. Hong, Zhao (2015). *China and ASEAN: Energy Security, Cooperation and Competition*. Singapore: ISEAS.
18. Hörhager, Elisa I (2016). "China-ASEAN Relations and the South China Sea: Beyond Balancing and Bandwagoning?" In: *Power Politics in Asia's Contested Waters: Territorial Disputes in the South China Sea*, Enrico Fels; Truong-Minh Vu, Switzerland: Springer International Publishing AG.
19. International Monetary Fund (IMF). (2018). *IMF Data*, Available at: data.imf.org/?sk=388DFA60-1D26-4ADE-B505-A05A558D9A42. (Accessed on: 06/02/2018)
20. Ishido, Hikari. (2011). *Liberalization of Trade in Services under ASEAN+n: A Mapping Exercise*. ERIA Discussion Paper Series. Faculty of Law and Economics, Chiba University, 1-33.
21. Kawai, Masahiro. Wignaraja, Geneshan. (2008). *EFTA or CEPEA: Which Way Forward*, ASEAN Economic Bulletin, Vol. 25, No. 2, 113-139.
22. Keohane, Robert O (1989). *International Institutions and State Power*. Boulder: Westview Press.
23. Keohane, Robert O. (1984). *After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Political Economy*. Princeton: Princeton University Press
24. Klecha-Tylec, Karolina. (2017). *The Theoretical and Practical Dimensions of Regionalism in East Asia*. New York: Palgrave Macmillan.
25. Krasner, Stephen D. (1983). *International Regimes*. Ithaca and New York: Cornell University Press.
26. Krasner, Stephen D. (2009). *Power, the State, and Sovereignty: Essays on International Relations*. London and New York: Routledge.
27. Lanteigne, Marc. (2016). *Chinese Foreign Policy: An Introduction*. London and New York: Routledge.
28. Larçon, Jean-Paul; Barré, Geneviève (2017). "China Meets Europe by the Baltic Sea" In: *New Silk Road: China Meets Europe in The Baltic Sea Region: A Business Perspective*, Jean-Paul Larçon, Singapore: World Scientific Publishing.
29. Lijun, Sheng (2003). "China-Asean Free Trade Area" In: *The 2nd ASEAN Reader*, Siddique Sharon; Kumar Sree, Singapore: ISEAS.
30. Lim, Kheng Swe (2017). "China's Economic Statecraft in Sino-Southeast Asian Relations and the Security-Economic Nexus" In: *China's Economic Statecraft: Co-optation, Cooperation, and Coercion*, Mingjiang Li, Singapore: World Scientific Publishing.
31. Liu, Guoli. (2017). *China Rising: Chinese Foreign Policy in a Changing World*. London: Palgrave.
32. Lucarelli, Sonia (2000). *Europe and the Breakup of Yugoslavia: A Political Failure in Search of a Scholarly Explanation*. Netherlands: Kluwer Law International publications.

33. Miao, Lu. & Wang, Huiyao. (2017). *International Migration of China: Status, Policy and Social Responses to the Globalization of Migration*. Singapore: Springer Nature.
34. Nehru, Vikram (2017). "Southeast Asia: Thriving in the Shadow of Giants" In: *China, The United States, and the Future of Southeast Asia: U.S-China Relations, Volume 2*, David B. H. Denoon, New York: New York University Press.
35. Nemoto, Yoichi; Nakagawa, Satoshi (2014). "Regional Financial Cooperation in East Asia: Development and Challenges" In: *ASEAN-Japan Relations*, Takashi Shiraiishi; Takaaki Kojima, Singapore: ISEAS.
36. Pu, Xiaoyu (2017). "Interdependent Rivals: China's Economic Statecraft towards Japan" In: *China's Economic Statecraft: Co-optation, Cooperation, and Coercion*, Mingjiang Li, Singapore: World Scientific Publishing.
37. Ravenhill, John (2008). "Asia's New Economic Institutions" In: *Asia's New Institutional Architecture: Evolving Structures for Managing Trade, Financial, and Security Relations*, Vinod K Aggarwal; Min Gyo Koo, Heidelberg, Berlin: Springer-Verlag.
38. Severino, Rodolfo C; Thuzar, Moe (2016). "ASEAN Economic Cooperation and Its Political Realities" In: *Moving the AEC Beyond 2015: Managing Domestic Consensus for Community-Building*, Tham Siew Yean; Sanchita Basu Das, Singapore: ISEAS.
39. Sutter, Robert G. (2005). *China's Rise in Asia: Promises and Perils*. Maryland: Rowman & Littlefield.
40. Yang, Mu. Heng, Michael S. H. (2012). *Global Financial Crisis and Challenges for China*. Singapore: World Scientific Publishing.
41. Yoshimatsu, Hidetaka. (2014). *Comparing Institution-Building in East Asia: Power Politics, Governance, and Critical Junctures*. New York: Palgrave Macmillan.
42. Zanghl, Bernhard (2014). "Regime Theory" In: *Theories of International Relations*, Schieder, Siegfried; Spindler, Manuela, London and New York: Routledge.
43. Zhang, Jie. (2015). *China's Belt and Road Initiatives and Its Neighboring Diplomacy*. Singapore: World Scientific Publishing.
44. Zhao, Hong (2017). "One Belt One Road and China-Southeast Asia Relations" In: *Southeast Asia and China: A Contest in Mutual Socialization*, Lowell Dittmer; Chow Bing Ngeow, Singapore: World Scientific Publishing.
45. Zhu, Cuiping (2016). "The Construction Capability, Challenges and the Corresponding Countermeasures of the 21st-Century Maritime Silk Road" In: *Annual Report on the Development of the Indian Ocean Region (2015): 21st Century Maritime Silk Road*, Rong Wang; Cuiping Zhu, Singapore: Social Science Academic Press & Springer Science+Business Media.